

متاهلهایی که در مجردی سیر می‌کنند

برای قدم گذاشتن به زندگی مشترک لازم است فرد قبل از هر چیزی عادات و رفتارهای دوران مجردی‌اش را کنار بگذارد و خود را برای مرحله جدیدی از زندگی که ملزومات متفاوتی دارد آماده کند. در این زمینه عوامل مختلفی تأثیر دارند ...



برای قدم گذاشتن به زندگی مشترک لازم است فرد قبل از هر چیزی عادات و رفتارهای دوران مجردی‌اش را کنار بگذارد و خود را برای مرحله جدیدی از زندگی که ملزومات متفاوتی دارد آماده کند. در این زمینه عوامل مختلفی تأثیر دارند که بعضی از آنها فردی و بعضی خانوادگی هستند و در اینکه فرد بتواند خود را با شرایط جدید سازگار کند نقش زیادی دارند. اما در صورتی که این آمادگی به دست نیاید یکی از عواقب آن آمار بالای طلاق‌هایی است که بیشترشان در سال‌های اول زندگی روی می‌دهند.

به گزارش سلامت نیوز، روزنامه آرمان نوشت: جوان بی‌مسئولیت، سر به هوا و بازیگوش دیروز که تا لنگ ظهر را در رختخواب می‌ماند و بیشتر اوقاتش را یا در فضاهای مجازی پرسی می‌زد یا مشغول خیابان‌گردی با دوستان بود، با تصمیم به شروع ازدواج و شروع زندگی متاهلی وارد دنیای جدیدی می‌شود که ویژگی‌هایی متفاوت با دنیای مجردی دارد. این روزها زمانی که صحبت از ازدواج جوانان می‌شود مساله‌ای که بسیار بر آن تأکید می‌شود مشکلات مالی آنهاست و همین باعث شده است که بسیاری از موارد دیگر که مانع از ازدواج جوانان می‌شوند نادیده گرفته شوند.

زمانی که فرد وارد مرحله متاهلی زندگی می‌شود لازم است که بسیاری از عادات و رفتارهای خود را تغییر دهد و این نکته مهم را بپذیرد که از این به بعد او تنها نیست و عواقب تصمیمات و رفتارهایش علاوه بر خود او به فرد دیگری هم که حالا شریک زندگی‌اش است می‌رسد. در تحقیقاتی که مشاوران ازدواج و طلاق مرکز مشاوره ازدواج انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که عامل بسیاری از جدایی‌ها روند ادامه رفتارهای دوران مجردی دختران و پسران در زندگی زناشویی است. آن‌گونه که از آمارهای ثبت احوال برمی‌آید در 9 ماهه امسال ۱۲۲ هزار و ۳۴۰ واقعه طلاق به ثبت رسیده‌اند که به نسبت مدت مشابه سال گذشته از افزایش ۴/۲ درصدی خبر می‌دهد. اما این آمار بالای طلاق زمانی روی جالب خود را نشان می‌دهد که بدانیم ۱۳/۲ درصد از طلاق‌ها در یک سال اول زندگی و در مجموع ۴۷/۳ درصد طلاق‌ها مربوط به پنج سال اول زندگی مشترک بوده‌اند. سال‌های اول زندگی همان برهه زمانی است که فرد باید تمام تلاش خود را کند تا خود را با شرایط جدید زندگی سازگار کند و عادات و رفتار دوران مجردی را به فراموشی بسپارد و زندگی دو نفره را آغاز کند. اما مساله از چیزی هم که در ظاهر به نظر می‌رسد پیچیده‌تر و مشکل‌آفرین‌تر است، زیرا آن‌گونه که از آمارهای رسمی برمی‌آید میانگین سن ازدواج در ۵۲۰ هزار و ۲۴۰ مورد ازدواجی که در ۹ ماهه اول امسال روی داده‌اند، برای زنان ۲۳ سال و برای مردان ۲۸ سال بوده است که در کلان‌شهرها و محیط‌های شهری بزرگ‌تر این میانگین سن ازدواج به بالای ۳۰ سال هم می‌رسد. متخصصان سن مناسب ازدواج برای دختران را ۱۸ تا ۲۴ سال و برای پسران ۲۴ تا ۲۸ سال می‌دانند، با این اوصاف باید گفت جوانان ایرانی با وجودی که در مناسب‌ترین سن به ازدواج اقدام می‌کنند اما در این سن هم هنوز نتوانسته‌اند آمادگی لازم را به دست آورند.

دوستی‌های مجردی در دوران متاهلی

سمیرا ۲۳ ساله، ۲ سال از زندگی مشترکش می‌گذرد و مشکلات ریز و درشتی که در این ۲ سال پشت سر گذاشته است او را کلافه کرده‌اند. او در این باره به «آرمان» می‌گوید: «من و همسرم قبل از ازدواج شش ماهی با هم آشنایی داشتیم، اختلاف‌های ما در دوران آشنایی و حتی دوران نامزدی و عقد هم وجود داشتند، من نمی‌توانستم با این همه رفیق بازی‌هایش کنار بیایم و قول داده بود که بعد از ازدواج شرایط عوض شود. چند ماهه اول شرایط خوب بود ولی بعد از مدتی همه‌چیز به هم ریخت. تا دیروقت در خانه دوستانش می‌ماند و من مجبور هستم یا به خانه پدرم بروم یا بگویم که خواهرم پیشم بیاید. این شرایط نه تنها خود من بلکه خانواده‌ام و حتی خانواده خودش را هم کلافه کرده است. بیشتر اوقات با دوستانش به مسافرت می‌رود و همین باعث می‌شود که نتوانیم یک قرار مسافرت با خانواده‌هایمان بگذاریم». او ادامه می‌دهد: «مشکل من فقط زمانی که با دوستانش می‌گذارد نیست، بسیاری از آنها افراد مجرد و بی‌بند و باری هستند و همین باعث شده که رفتارشان هم خیلی عوض شود. خیلی بی‌اعتنا شده است و اگر هم چیزی بگویم دعوایمان می‌شود».

تا چند دهه قبل قسمت عمده‌ای از روابط افراد حول محور روابط خانوادگی می‌چرخید اما در عصر حاضر گروه‌های دوستی در

محور اصلي روابط افراد قرار گرفته‌اند و روابط با این گروه‌ها عمق بیشتری پیدا کرده است و تا سالیان طولانی ادامه می‌یابد. تأثیری که گروه‌های دوستی بر شخصیت افراد می‌گذارند باعث می‌شود که چنین روابطی اهمیت زیادی پیدا کنند. حضور در گروه‌های دوستی نوعی از رفتار و عمل را ایجاب می‌کند که بعضی از آنها در تضاد با دوران زندگی مشترک فرد قرار می‌گیرند. زمانی که فرد زندگیش را با دیگری شریک می‌شود دیگر نمی‌تواند در تصمیم‌گیری خودخواهانه و بدون در نظر گرفتن طرف مقابلش عمل کند. عاقبت تصمیم‌گیری‌های خودخواهانه چیزی جز این نمی‌شود که هر ساله آمار طلاق چند درصدی از سال قبل بالاتر می‌رود. از آنجایی هم که این روزها نسخه‌های جدید طلاق مانند طلاق عاطفی و طلاق توافقی به شدت رواج پیدا کرده‌اند با نخستین اختلافی هم که پیش می‌آید آنها با کمترین تلاش برای حفظ زندگی مشترک‌شان به در دسترس‌ترین گزینه رجوع می‌کنند و از یکدیگر جدا می‌شوند.

لزوم مسئولیت‌پذیری برای زندگی جدید

«همسر من خیلی نازبروده است و تا تقی به توفی می‌خورد به خانه پدرش می‌رود. کوچک‌ترین مساله را به مادرش می‌گوید و همین باعث شده است نه تنها خودمان با هم‌دیگر اختلاف داشته باشیم بلکه خانواده‌هایمان هم به جان یکدیگر بیفتند». اینها گفته‌های سروش 26 ساله هستند که وابستگی بیش از حد همسرش به خانواده اش باعث به وجود آمدن اختلافات زیادی بین آنها شده است. او در ادامه می‌گوید: «لیلا تک دختر است و بچه کوچک خانه، و از آنجایی هم که از گل کمتر نشیده است، این باعث شده که اصلاً تحمل شنیدن کوچک‌ترین حرفی را نداشته باشد. اگر خدایی نکرده مادرم یک انتقاد کوچک کند تا هفته‌ها با یکدیگر قهر و دعوا داریم و از آنجایی هم که همه‌چیز را به مادرش می‌گوید چند باری بین دو خانواده هم مشاجره شکل گرفته است. مشکل بزرگ‌تر این است که او هیچ‌گاه حاضر نیست قبول کند که مشکل دارد و همیشه همه مشکل را گردن من می‌اندازد. گاهی تحمل این زندگی برایم کار سختی می‌شود و اگر پای عشق و علاقه زیادمان وسط نبود همان ماه‌های اول کارمان به طلاق می‌کشید».

مشکل سروش با همسرش مشکل بسیاری از خانواده‌های دیگر ایرانی است. یکی از دلایل اصلی مشکلات زوج‌های امروزی با یکدیگر در شیوه تربیتی است که والدین امروزی در پیش می‌گیرند. بچه‌هایی که دائم مورد توجه والدین بوده‌اند و هیچ‌گاه کمترین مسئولیت را قبول نکرده‌اند نمی‌توانند از پس مسئولیت‌های زندگی مشترک برآیند. جاده زندگی همیشه هموار نیست و کوچک‌ترین ناهمواری و ناملایماتی که پیش می‌آید چرخ صبر و حوصله زود پنجر می‌شود و از دل عاشقان دیروز دشمنان امروز سر بر می‌آورند که زیر یک سقف زیستن برایشان بدترین شکنجه می‌شود. از سویی دیگر هم یکی از مشکلات جوانان امروزی ازدواج‌هایی هستند که عشق و علاقه و احساس دلیل اصلی آنهاست. این عشق و علاقه و هیجان بالا به ویژه در سنین پایین چشم را به روی دیدن بسیاری از واقعیت‌ها می‌بندد و این مسائل زمانی خود را نشان خواهند داد که چند سالی از زندگی مشترک گذشته است و به ناگاه زمانی که دو نفر به خودشان می‌آیند می‌بینند که عشق و علاقه دیروز بین روزمرگی‌های زندگی رنگ باخته است و چیزی که می‌بینند شرایطی است که تحمل‌ناپذیر است. این عدم آمادگی‌ها برای زندگی مشترک زمانی از این هم بیشتر در دسرساز خواهد شد که پای فرزندان وسط می‌آید. زمانی که عنوان زن و مرد به مادر و پدر تغییر پیدا می‌کند، دیگر افراد نمی‌توانند با همان رویه سابق ادامه دهند. اینجا دیگر پای بچه‌ای وسط می‌آید که آینده‌اش به دست این والدین ساخته می‌شود. پدر و مادری که هنوز در دوران مجردی سیر می‌کنند نمی‌توانند از عهده نگهداری و تربیت فرزندان شایسته برآیند. با توجه به تمام آنچه گفته شد باید دو نکته مهم را مد نظر قرار داد؛ یکی اینکه سیر در دوران مجردی بعد از ازدواج می‌تواند عواقب ناخوشایندی برای خود فرد، طرف مقابل، اطرافیان و حتی فرزندان به جایی بگذارد و دیگر اینکه، باید به مساله‌ای مورد غفلت قرار گرفته به نام مشاوره پیش از ازدواج اشاره کرد که در صورتی که به خوبی و همه‌جانبه ارائه شود می‌تواند تا حدود زیادی از این مشکلات بکاهد.